



۲۰۱۶/۱۲/۲۹



بهاؤل ملک

## شرح حال عبدالملک عبدالرحیم زی

در آثار نویسندگان

بخش پنجم



تحلیل واقعات سیاسی افغانستان ۱۹۱۹ - ۱۹۹۶ م

مؤلف: عبدالحمید مبارز، سال ۱۳۷۵

صفحه ۱۹۲ ب.ب.

.... اینکه در مورد دکتور حسن شرق اتهام ارتباط به کی جی بی وارد شد علت آن این که، خانه وی از طرف معاون اتاشه نظامی سفارت شوروی در کابل در جمال مینه که یک کارته منزوی بود، طور دایمی کرایه شده بود و وی در ایام بیکاری ارتباط را با شوروی ازین راه حفظ کرده بود.

این اتهام را که وی واسطه ارتباط بین محمد داود و شوروی ها بوده وارد آورده اند و اینکه وی فردای روز گرفتاری عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مقتدر اقتصاد و مالیه، در پایان مسافرت موفقانه ای به ایالات متحده امریکا گرفتار گردیده بود. حسن شرق که آنوقت مدیر قلم مخصوص صدر اعظم بود، با دیکتاتور سفیر کبیر شوروی متعین کابل با چهره بشاش و راضی در باغ عمومی پغمان قدم می زدند و با هم مذاکره می کردند و می رساند که دکتور حسن شرق از آن زمان با سفارت شوروی خیلی نزدیک بوده که، نسبت به واقعه گرفتاری جنرال عبدالملک عبدالرحیم زی تفاهم داشته اند.

شرق چون برای رسیدن به قدرت پروگرامی داشت، طبعاً درین ساحه ها با روس ها پیشرفته و اینکه همراهی وی با سردار محمد داود به نفع شوروی تمام شده شکی باقی نمی باشد. اینکه شوروی ها به وی نه تنها علاقمند بوده اند بلکه اعتماد کامل

داشته اند، یک واقعیت است. زیرا در دوره داکتر نجیب الله به حیث صدر اعظم بر گزیده شد. طبیعی است رسیدن به مقام صدارت در حالیکه هنوز قوای شوروی در افغانستان حاضر بود، بدون اشاره، ترغیب و حتی تعیین مقامات شوروی امکان پذیر نبود.

از طرف دیگر، روابط وی با غلام جیلانی باختری و شاه محمد دوست که هر دو پرچمی سر سپرده بودند می رساند که، وی ازین جریان نه تنها طرفداری و حمایت کرده، بلکه وسیله ارتباط شان با سردار محمد داود نیز گردیده و وسیله شد تا در کودتای ۲۶ سرطان اشتراک داشته باشند و ازین تاریخ راه شان را در صفوف اردو کشور تحت سایه سردار محمد داود و کودتای ۲۶ سرطان پهن سازد. به همین علت است که، وقتی شرق موظف به تشکیل حکومت شد، در کابل شایعه شد که، دکتور حسن شرق یک پرچمی مخفی مربوط به کی جی بی می باشد. ولی باید متذکر شد که، دکتور شرق تا پایان دوره ماموریت به حیث معاون صدارت، ظاهراً عقیدت به سردار محمد داود داشته، ولی اینکه درست در موقعیکه پرچمی ها چون فیض محمد وزیر داخله، عبدالرزاق عابدی والی کندز، سلام والی بادغیس، صمد اظهر رئیس ارکان قوماندانی عمومی ژاندارم و پولیس و غلام جیلانی باختری وزیر زراعت تصفیه شدند و از کار ها بر کنار گردیدند، شرق نیز کابینه را ترک کرده به حیث سفیر کبیر به توکیو مقرر شد.

... تره کی وکارمل که هردو بعداً کمونیست شدند، در ابتدا یکجا شده و حزب را تاسیس میکنند. ولی جناح پرچم این حزب که در ماه های آخر حکومت اول سردار محمد داود از تره کی جدا شده بودند با جنرال رسول جان رئیس ضبط احوالات در پل متک رابطه قایم نموده و مصارف مالی را حاصل میکردند. باید تذکر داد که روابط بیرک با سردار محمد داود با میانجگری جیلانی باختری پسر خاله بیرک که از دوستان داکتر محمد حسن شرق بود، توسط شرق صورت گرفته بود. دیگر اینکه جنرال رسول جان این اشخاص را به هدایت سردار محمد داود تمویل میکرد....

... سردار محمد داود فکر کرده بود که، این حزب در آینده یعنی بعد از انفاذ قانون اساسی جدید در انتخابات حامی وی خواهد شد. ولی فکر نمی کرد که کارمل قبل از وی با روس ها ارتباط پیدا می کند. البته کارمل دو رول را بازی می کرد. رول اول وی ناسیونالیستی بود و در مقابل داود بازی می کرد و رول کمونیستی را در مقابل اعضای سفارت روس در کابل. سردار محمد داود فکر می کرد که کارمل به نفع وی کار می کند و دستگاه های جاسوسی و استخباراتی و مصئونیت ناتوان از آن بودند روابط کارمل را با روس ها کشف کنند بناءً روس ها در آوانیکه برای پاداری و دوام عمر حکومت اول سردار محمد داود کار می کردند و وی را دوست شوروی و مخالف غرب می شناختند، در زیر پرده برای آینده کار می نمودند. تره کی، کارمل و همکارانشان را پرورش و آموزش میدادند. حرکات و تفکرات سردار محمد داود را در زمان بیکاری اش با ارتباطی که با حسن شرق داشتند مطلع شده و کنترل می نمودند.

از شاه محمد دوست وزیر خارجه رژیم کارمل که توسط وی برای گرفتن اطلاعات میوندوال در وقت صدارتش کار گرفتند. مؤلف (؟) محمد اکبر شالیزی و محمد نجیم آریا مینویسند: شاه محمد دوست آنقدر به میوندوال نزدیک شده بود که هر چه تلاش توسط نگارنده محمد اکبر شالیزی و محمد نجیم آریا صورت گرفت، میوند وال شاه محمد دوست را از پست مدیریت قلم مخصوص صدارت با حفظ کربیر سیاسی آن در وزارت امور خارجه دور نساخت. در حالیکه میوند وال یک ناسیونالیست مسلمان و یک دیموکرات با اراده و ایمان بود و شاه محمد دوست یک کمونیست چگونه با هم همکار شده بودند. این رازی بود که تا حال افشا نشده است.

روسها در دوره اول صدارت محمد داود موفق شدند تا، از یک طرف مشاورین نظامی ترکی را از اردوی افغانستان دور بسازند. چون ترکیه در پیمان بغداد شامل شده بود. برای کشور بیطرف افغانستان ممکن نبود مشاوران نظامی آن کشور داخل اسرار نظامی نفوذ داشته باشند. از جانب دیگر مشاورین نظامی را برای آموزش به پوهنتون های آن کشور می برند و مهم تر اینکه محصلین نظامی را با یک قرار داد جداگانه از طریق وزارت دفاع برای تحصیل به اتحاد شوروی ببرند. به این ترتیب در داخل افغانستان اردو توسط مشاورین نظامی روسی کنترل شود و در اتحاد شوروی محصلین نظامی به حزب دیموکراتیک

خلق جذب گردد و تحت آموزش ایدیالوژیک قرار داده شوند.

محصلین ملکی که هر سال به تعداد شان صد صد حاصل اضافه می شد در سال های بعدی این تعداد با درخواست وزارت ها از طریق وزارت پلان بی حساب اضافه گردید.

مامورین عالیرتبه که دیگر توسعه روابط را با شوروی فکر می کردند، چون باعث رضایت محمد داود می گردید، فرزندان خود را برای تحصیل به شوروی می فرستادند و روسها برای فرزندان مامورین عالیرتبه نظامی و ملکی مساعدت می کردند. بعد از کوتای ۷ ثور معلوم شده که بعضی از محصلین در اتحاد شوروی تحت تشکیلات منظم حزبی قرار داشتند و طبق هدایت منشی حزبی سازمان جوانان کار می کردند. متخصصین و استادان روسی در آموزش محصلان شب و روز کار می کردند و عقاید مذهبی و افکار ملی شانرا پاک کرده مغز های آنها را بدروس ایدیالوژی مارکسیزم و برتری جهانی شوروی پر می ساختند. یکی از منشی های بسیار فعال محصلین افغانی در اتحاد شوروی برهان الدین غیائی بود، سفر او روسای کلتوری و دیگر دیپلمات های افغانی به قاچاق اسعار مصروف بودند.

.... اینکه فرهنگ گفته که، نواقص پلان اقتصادی اول باعث برطرفی و گرفتاری جنرال عبدالملک شده واقعیت ندارد. چه وی درست پس از بازگشت از سفر ایالات متحده امریکا برکنار گردید و روز فردای برکناری گرفتار شد، زیرا امریکا از وی استقبال بسیار گرمی نموده بود و اینکه وی درین مسافر با امریکائی ها در باره مسایل اقتصادی چه موافقاتی را مذاکره کرده بود روشن نگردیده، مگر بآنهم مسافرت وی به امریکا بدون تردید باعث توسعه روابط اقتصادی و تجارتی بین دو کشور می گردید. بناء دخالت شوروی را در بر کناری و گرفتاری عبدالرحیم زی که توأم بود نمیتوان نادیده گرفت. از طرف دیگر بعد از اینکه خبر گرفتاری وزیر مالیه نشر شد به ارتباط آن حاجی عبدالخالق معاون انتخابی شاروالی کابل، محمد آصف آهنگ، میر علی احمد شامل زاده و نادر شاه هارونی را که همه اعضای حزب وطن بودند و همه این ها از دوستان مؤلف بودند نیز زندانی ساخت و این نشان دهنده آنست که برای گرفتاری علت نواقص پلان نبوده بلکه به آن شکل سیاسی داده شد. جنرال عبدالملک یک افغان با شخصیت بود چه وقتی در دوره دیموکراسی دوم یعنی حکومت دوکتور محمد یوسف فرمان رهائی وی صادر شد، فرمان را قبول نکرده از محبس خارج نگردید و تقاضا کرد که محاکمه شود. ولی این تقاضای وی را حکومت دوکتور محمد یوسف لیبیک نگفت و جنرال زندانی ماند.

زمانیکه کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ به ثمر رسید سردار محمد داود رئیس دولت فرمان رهائی وی را صادر کرد. این بار وی با دادن جواب بسیار شدید فرمان را رد کرد و بار دیگر تقاضای محکمه خود را ارائه کرد و در محبس ماند. یکی از دلایل اینکه ارتباط روس ها را با گرفتاری عبدالرحیم زی تقویت می کند این است که، فردای روز گرفتاری وی سفیر شوروی با دوکتور حسن شرق در باغ عمومی پغمان در حالیکه خوشی و رضایت در جبین شان مشاهده می شد مذاکره و قدم می زدند و دیگر اینکه آن اعضای حزب وطن به این ارتباط گرفتار شد که با حسن شرق روابط خوب نداشتند. از طرف دیگر عبدالرحیم زی محاکمه نشد و رژیم معمولاً محبوسین سیاسی را محاکمه نمی کرد نه محکومین جزائی را. به این ترتیب به شوروی به نفوذ خود ادامه داده و پلان های آینده را طرح و به تدریج و محرمانه و ماهرانه تحت تطبیق قرار داد.

روس ها که در تعیین سفرای شان اهداف خاصی را در نظر می گرفتند چنانچه دکتیار که دارای کرکتر سیاسی بود توانست راه برای توسعه روابط سیاسی باز نماید، آنوقت که متخصص اقتصاد بود در موقعی به کابل آمد تا افغانستان را با رشته های اقتصادی بسته نماید و روابط آنرا با دیگر کشور ها محدود بگرداند. کیکتیف را برای ارزیابی سیاسی که آیا افغانستان برای یک انقلاب کمونستی آماده شده یا خیر آیا کارمل و تره کی میتوانند این نقش را بازی کنند مؤظف ساختند. بعد از آن پوزانوف که قبلاً پلان های شوروی را در بلغاریا و مجارستان عملی کرده و از رهبران آن کشور ها سیاستمداران غلام صفت را برای مسکو به وجود آورده بود، پوزانوف طرح کودتای ثور را با مشورت الکساندر اوبلوف ریخت و برپادی افغانستان ویرانی شوروی را سبب شدند.

روسها به اعمال غیر قانونی دیپلومات های افغانی مطلع مگر گذاشته بودند تا، در عوض فعالیت های مثبت و ملی به قاچاق و جمع کردن پول مصروف باشند. روسها فارغ از کنترل مقامات افغانی، جوانان افغان را در سرتاسر اتحاد شوروی به گروه های معین تنظیم و توسط منشی های فرعی که تمام شان توسط منشی عمومی سازمان جوانان هدایت می گردید آموزش سیاسی داده می شدند، روسای کلتوری افغانستان متعین مسکو اطلاعی در باره این فعالیت ها به مرکز نداده اند که در غیر آن اگر سفرای افغانستان و روسای کلتوری کشور ما وظایف عادی شانرا انجام میدادند جوانان افغان منحرف و گمراه نمی شدند.

یکی دیگر از اشتباهات حکومت سردار محمد داود این بود که، شخصیت های چون جنرال محمد عارف و جنرال عبدالملک عبدالرحیم زی را از کابینه اخراج اولی را به حیث سفیر و دومی را بعد از سفر موفقانه امریکا زندانی ساخت. باید تذکر داد که این دو جنرال در واقع از پایه های قوی حکومت اول محمد داود بودند و میتوانستند در سال های بعدی خدمات شایسته ای را انجام بدهند. مگر تقرر جنرال محمد عارف آزرده به حیث سفیر در مسکو باعث دلسردی و بی اعتنائی وی بکار گردید. هم چنان حکومت خود را از همکاری جنرال عبدالملک عبدالرحیم زی که وزیر با دانش پر قدرت و با تحرک بود نیز محروم ساخت.

به ارتباط گرفتاری جنرال عبدالملک عبدالرحیم زی میر محمد صدیق فرهنگ در صفحه ۶۶۸ افغانستان در پنج قرن می نویسد که (یکی از اشخاص که به زودی متوجه نواقص پلان گردیده محمد نعیم خان وزیر امور خارجه بود که آنرا در مجلس وزراء مطرح ساخت و در اثر آن برخوردی بین او و عبدالرحیم زی که به عزت نفس خود پابند و به مقام و منزلت خود در نزد صدر اعظم متکی بود رخ داد، اما عاقبت وزیر مالیه در برابر محمد نعیم خان مغلوب و مجبور به استعفا گردید و متعاقب آن در ماه جولای ۱۹۵۷ با ادعای مبهم و بدون دستاویز نالایقی و تقلب زندانی گردید).

مگر مؤلف به این عقیده نمی باشد چه پلان پنج ساله از طرف یک کمیسیون ایکه در آن یک تعداد اشخاص با صلاحیت چون عبدالحی عزیز، عبدالوهاب حیدر و حبیب الله مالی اچکزی رئیس د افغانستان بانک و علی زوی شرکت داشتند با امکانات آنوقت که احصائیه های لازم وجود نداشت و باید در بسیاری موارد تخمین یا احصائیه های ناقص اتکا می کردند پلان خوبی بود. دیگر اینکه تشخیص نواقص پلان را یک متخصص اقتصاد می توانست بر ملا بسازد که سردار محمد نعیم این تعیینی را نداشت که چنین انتقاد را وارد می کرد. دیگر اینک پلان بعد از تصویب مجلس وزرا که خود سردار محمد نعیم نیز حاضر بوده و در تصویب شرکت داشته مورد تطبیق قرار گرفته بناءً به نظر نگارنده نواقص پلان باعث برطرفی و گرفتاری جنرال عبدالملک نشده چه وی درست پس از بازگشت از سفر ایالات متحده امریکا بر کنار گردید. یار زنده صحبت باقی...

پایان بخش پنجم

ادامه دارد

در بخش ششم،

رویداد های نیمه اخیر سده بیست در افغانستان

نویسنده: جنرال نذیر سراج